

#### روزنه آبی

#### موسیقی الکترونیک به زبان ساده

**ایمان حبیبی‌شاد**
متخصص موسیقی الکترونیک

● موسیقی الکترونیک همان‌طور که از اسمش پیداست، توسط رایانه و سازهای الکترونیک و همچنین نرم‌افزارهای دیجیتال تنظیم موسیقی یا همان DAWها ساخته می‌شود. می‌توان این نرم‌افزارها را به یک صفحه سفید نقاشی تشبیه کرد که آهنگ‌ساز یا تنظیم‌کننده ایده‌های خود را همانند یک طراح گرافیک روی این صفحه پیاده می‌کند و پس از اتمام ساخت کار خود با استفاده از ابزاری مثل افکت‌های صدا که شامل کمپرسر ها، اکولایزرها، ریورب، دِبی‌لی و… می‌شود به موسیقی خود رنگ‌وبلغاب خاصی می‌دهد. در اصل تنظیم‌کننده آن‌گونه‌که می‌خواهد صداها و فرکانس‌ها شنیده شوند از این افکت‌ها استفاده می‌کند. استفاده از خلایقت و ایده‌های جذاب در موسیقی الکترونیک باعث شده که شوندگان بیشتری از نسل‌های مختلف به این سبک موسیقی علاقه‌مند شوند، اما جالب‌تر از آن تلفیق این سبک از موسیقی با سبک‌های دیگر مثل پاپ، راک، جز و… است که جذابیت این سبک از موسیقی را افزایش می‌دهد. با پیشرفت تکنولوژی و دسترسی افراد به اینترنت و رایانه‌های شخصی، کار برای علاقه‌مندان به خلق موسیقی الکترونیک آسان‌تر شده، به‌طوری‌که با نصب یک نرم‌افزار تنظیم موسیقی روی رایانه‌تان کافی است که شما بتوانید ایده‌های اولیه موسیقی خود را پایه‌ریزی کنید. خلایقت و دانش کافی استفاده از ابزار در ساخت قطعه موسیقی الکترونیک بسیار مهم است. وجود بانک‌های سمپل اِزِیش ساخته‌شده این امکان را به سازنده این سبک از موسیقی می‌دهد تا بتواند ایده اولیه موسیقی خود را بسازد، ولی اگر در استفاده از این صداهای اِزِیش ضبط‌شده افراط شود، قطعه موسیقی شما در حالت اصلی خارج شده که باعث کم‌شدن ارزش قطعه نهایی می‌شود. شرکت‌های سازنده نرم‌افزارها و اپلیکیشن‌های موسیقی امروز سعی بر این دارند تا برنامه‌هایی را برای علاقه‌مندان به تنظیم یا ویرایش موسیقی الکترونیک بسازند که به هرکس این قابلیت را می‌دهد تا بتواند حتی روی تلفن همراه خود موسیقی الکترونیک یا هر سبک دیگری را بسازد و این موضوع می‌تواند به تنظیم‌کننده موسیقی الکترونیک کمک کند تا هروقت ایده‌ای در ساخت موسیقی به سراغش آمد، آن را به‌سرعت پیاده کند. داشتن ابزار و سازهای الکترونیک، بسیار مفید و مؤثر در اثر نهایی است، اما این موضوع که خرید جدیدترین یا گران‌ترین ابزارها موجب می‌شود که قطعه موسیقی شما بهتر شود شاید یک مقدار دور از باور باشد. جارجوب موسیقی الکترونیک بر اساس یک ریتم اولیه است که با تغییرات و اضافه و کم‌شدن صداها و تنها برای بشنوندن جذاب می‌شود، همچنین هماهنگی بین جنس صداها و فرکانس‌ها موجب می‌شود که شنونده رابطه خوبی با قطعه موسیقی برقرار کند، اما اگر سازنده موسیقی اطراف خود را با ددها ساز و بانک‌های سمپل شلوغ کند، ساخت ایده اولیه یا همان ریتم اصلی برایش مشکل می‌شود، به‌طوری‌که پس از گذراندن دقایقی در استودیو از ادامه ساخت موسیقی خود منصرف شده و پروژه را می‌پسند. راحت‌ترین راه‌حل محدودکردن ابزار کار است، به‌طوری‌که برای ساخت ریتم اصلی از یک یا دو ساز الکترونیک بیشتر استفاده نکند و همچنین طبقه‌بندی بانک‌های صدا و سمپل‌ها به‌گونه‌ای باشد که پیداکردن صداهای موردعلاقه به سرعت صورت گیرد. یکی دیگر از روش‌های به‌کارگیری خلایقت در ساخت موسیقی الکترونیک، استفاده از صداهایی است که هرروز در محیط شما شنیده می‌شوند و شما به آسانی می‌توانید این صداها را با تلفن همراه خود ضبط و در پروژه‌های شخصی خود استفاده کنید. این موضوع به شما کمک می‌کند که کمتر از بانک‌های اِزِیش ضبط‌شده صدا استفاده کنید و حس طبیعی‌تری به موسیقی الکترونیک خود بدید. همچنین با استفاده از ابزارها و اضافه‌کردن افکت‌ها به این صداها می‌توانید صداهای جالب و متفاوتی تولید کنید یا حتی سازهای الکترونیک موردعلاقه‌تان را بسازید.

#### جارجوب

### گشایش نمایش «سیندرلا» به دست بیماران ام‌اس

● گروه هنر: امروز، اول مرداد، ساعت ۱۹:۳۰ نمایش «سیندرلا» به نویسندگی هادی حوری و کارگردانی سعید داخ به دست انجمن حمایت از بیماران ام‌اس افتتاح خواهد شد. بنا بر این گزارش، در این مراسم کتایون ریاحی و پرند زاهدی نیز حضور خواهند داشت. نمایش «سیندرلا» از یکم تا ۳۱ مرداد، هر شب ساعت ۱۹:۳۰ در مجموعه نمایشی دیوار چهارم رقص، صحنه خواهد رفت. نگین ابراهیمی، ساناز خادریان، پردیس رفیعی، امیر رئیسیان، مریم سعیدی، نوش‌آفرین طوسی، ندا فرج‌پور، مهسا قریشی، مهسا کاوه، آوا منصوری و علیرضا میرزامحمدعلی در این نمایش به ایفای نقش می‌پردازند. از دیگر عوامل این اثر می‌توان به میثم احمدی (موسیقی)، فرشته حدادیور (طراح لباس) و سیدیه سپهری (مدیر اجرا) اشاره کرد. علاقه‌مندان برای تهیه بلیت می‌توانند به نشانی: میدان فلسطین، خیابان طالقانی غربی، بین خیابان سرپرست و فریمان، پلاک ۵۴۴ یا سامانه فروش tik8 مراجعه کنند.



بهناز شیربانی

«دلم می‌خواد» دومین فیلم توقیفی‌ای بود که در سال ۹۷ روی پرده رفت؛ فیلمی که نخست با ممیزی در عنوانش روبه‌رو شد و بعد در فهرست فیلم‌های توقیف‌شده‌ای قرار گرفت که کمتر کسی به اکرانش امیدوار بود. با همه اینها «دلم می‌خواد» مدتی است مخاطبان بسیاری را با خود همراه کرده است. به بهانه نمایش «دلم می‌خواد»، با بهمن فرمان‌آرا گفت‌وگویی داشتیم که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم.

❧ «دلم می‌خواد» بعد از مدت‌ها از زمان توقیفش راهی اکران سینما شد، این بخش قطعا اتفاق خوشایندی است اما گمان می‌کنم در این روزها و در رقابت با سایر فیلم‌ها بخش زیادی از تبلیغات فیلم از طریق مخاطبانش انجام می‌شود.

دقیقا. تبلیغ دهان به دهان را با هیچ پولی نمی‌توان خرید و به این دلیل که مردم بعد از دیدن فیلم با حال خوب از سینما خارج می‌شوند، بسیار اتفاق خوبی است. از جهتی متأسفم که اکران فیلم هم‌زمان با نمایش فیلم‌هایی شد که از شرایط بهتری برای اختصاص سانس‌ها و سالن‌های بیشتر برخوردارند. در تمام این مدت تلاشم این بوده که فیلم حاشیه بیجا نداشته باشد، چراکه آن‌قدر حاشیه زیاد است که خیلی وقت‌ها فراموش می‌کنیم این حاشیه برای چه منئی است. با تمام کم‌لطفی‌هایی که در تبلیغات این فیلم انجام شده است، مردم به این فیلم نیاز دارند، فیلم مسخره‌بازی نیست، یک موضوع جدی است اما درعین‌حال مخاطب خوشحال سالن سینما را ترک می‌کند. وقتی مسئله نویسنده‌ای این باشد که حق مردم از خوشی در این چندین و چند سال خورده شده و این دلیل دیوانگی‌اش است و در نهایت رؤیای او این است که مردم خوشحال باشند و برقصند، به خودی خود جذاب است. این فیلم چهار سال به دلیل سیاست‌بازی‌های متعدد در توقیف به سر برد و بالاخره در عید فطر به ما فرصت داده شد فیلم را اکران کنیم، درحالی‌که جام جهانی هم حواس مخاطبان را به خود جلب کرده بود. به‌هرحال نفس فیلم‌سازی هفت‌خان رستمی است که بسیار طاقت‌فرساست اما زمانی‌که فیلم ساخته شد و برای نمایش عمومی آماده می‌شود، آنجا هفتصدهخان رستم است! من با ۷۷ سال سن و بعد از سال‌ها کار در سینما به این شرایط عادت کرده‌ام، این‌ماجرها را هم پیش از انقلاب و بعد از آن تجربه کردم. سال‌هاست که ملوک‌الطوایفی فرهنگی در کشور داریم که گاهی اعجاب‌برانگیز است. گاهی برای فیلمی که در تهران بابت آن جایزه گرفته‌اید، می‌توان در شهر دیگری بابت ساخت همان فیلم مجازات شوید! به نظر من این فاجعه فرهنگی است.

❧ زمانی که برای نخستین بار «دلم می‌خواد» در جشنواره جهانی فجر دیده شد، بسیاری از ایده این فیلم و نقد اجتماعی که به شکل متفاوتی مطرح شد، استقبال کردند. هرچند دلایل توقیف فیلم هم کمی عجیب و غریب بود با این حال به نظر می‌رسد جدا از ماجرای بلاتکلیفی در این سال‌ها، نمایش این فیلم در زمان مناسب می‌توانست بازدهی مالی بهتری داشته باشد.

بله. آن هفتصدهخانی که اشاره کردم، شامل یک سری مسائلی است که اصلا ربطی به فیلم ندارد، اما در این کشور پیش می‌آید. مثلا یکی از دلایل به‌توقیف افتادن فیلم این بود که من سه سال پیش تصمیم گرفته بودم در بخش خارج از مسابقه جشنواره فیلم فجر شرکت کنم. اما اشخاصی که در تولید فیلم شریک بودند، در زمانی که من برای معالجه ایران نبودم تصمیم گرفتند به اعتراض فیلم را در بخش مسابقه شرکت دهند، هیچ جای جهان این حق را از کارگردان نمی‌گیرند که تصمیم بگیرد فیلمش در چه بخشی باشد. تصمیم من هم برای شرکت در بخش خارج از مسابقه به این دلیل بود که معتقدم سینما به خون جوان نیاز دارد. به ما جایزه بدهند یا نه، در زندگی ما تأثیرگذار نیست. بنابراین در مقطعی تصمیم گرفتیم در ایران در مسابقه‌ای شرکت نکنم و یکی از دلایل اصلی این بود که در زمان آقای احمدی‌نژاد وقتی خانه سینما را تعطیل کردند، من هرچه جایزه دریافت کرده بودم، پس دادم و رسید دریافت کردم. بنابراین از نظر من لوس‌بازی است که جوایز را بر سر بدهی و بعد باز در مسابقه شرکت کنی و جایزه بگیری و روز دیگری که مصباتی شدی آن را هم پس بدهی. منطق من این بود که نباید در مسابقه شرکت کنم، به‌خصوص این‌که آن‌قدر جوان‌های بااستعداد در سینما ما وجود دارند که واقعا اعجاب‌برانگیز هستند. سرنوشت زندگی و کار من مشخص است. من تنها نیاز دارم فیلم دیده شود و مکالمه‌ای با مردم داشته باشم. به همین جهت ماجرای حضور «دلم می‌خواد» در جشنواره از زمانی شروع شد که من در بیمارستان در تورتوتو بستری بودم و آقای دکتر ایوبی با من تماس گرفتند که سرمایه‌گذاران فیلم اعتراض کردند که فیلم باید در بخش مسابقه حضور داشته باشد. در نتیجه فیلم را در غیاب من از جشنواره بیرون کشیدند و به‌این‌ترتیب فیلم به مرور گرفتاری‌های مضاعف پیدا کرد. بهتر به دوستان سرمایه‌گذار گفتم که اگر آن زمان حرف من را گوش کرده بودید، دست‌کم بچه‌ای متولد شده بود و شما باید دنبال شانسنامه‌اش (پروانه نمایش) می‌رفتید، اما با بیرون‌کشیدن فیلم از جشنواره و دخالت‌کردن امکان

سقط‌شدن بچه هست، چراکه اصلا متولد نشده.

در سینما هم به این شکل است که گروه جدیدی می‌آیند و اعمال نظرها متفاوت می‌شود؛ همین می‌شود که یکی می‌گویند (قرش بده) را دربیارو. یکی نظر دیگری مطرح می‌کند. درست مثل زمانی که به دنبال پروانه ساخت فیلم بودیم، از ابتدا نام فیلم «دلم می‌خواد برقصم» بود، اما مسئولان پروانه ساخت معتقد بودند فیلمی که در عنوانش از واژه رقص استفاده شده باشد، نمی‌تواند پروانه ساخت دریافت‌کند! آن زمان دکتر ایوبی (رئیس سازمان سینمایی وقت) پیشنهاد کرد رقص را از عنوان فیلم حذف کنیم. من هم پاسخ دادم که فقط با کلمه دلم می‌خواد تعبایر متفاوت دیگری به ذهن می‌رسد و این اصلا خوب نیست اما ایشان اعتقاد داشت بعد به آن فکر می‌کنیم. فارغ از تمامی ماجراهایی که بر فیلم گذشت است، خوشحالم که دیده شد. اساسا فیلم‌ها در حسنی دارد که فیلم‌های روز نیستند و درباره موضوعی صحبت می‌شود و اگر هنوز کسی حقوق «خانه‌ای روی آب» را دارد و هر دو ماه ۵۰۰ هزار نسخه چاپ می‌کند و مثل نقل‌ونبات فروش می‌رود، دلیلش این است که مردم هنوز هم پیگیر فیلم هستند و دوست دارند که فیلم را داشته باشند. حالا مجموعه‌ای بدون اجازه من منتشر شده و چهار تا از فیلم‌های من را به‌عنوان یک مجموعه بیرون داده‌اند که مورد رضایت من نیست اما وقت جنگیدن ندارم.

❧ زمانه جهانی فجر دیده شد، بسیاری از ایده این فیلم و نقد اجتماعی که به شکل متفاوتی مطرح شد، استقبال کردند. هرچند دلایل توقیف فیلم هم کمی عجیب و غریب بود با این حال به نظر می‌رسد جدا از ماجرای بلاتکلیفی در این سال‌ها، نمایش این فیلم در زمان مناسب می‌توانست بازدهی مالی بهتری داشته باشد.

بله. آن هفتصدهخانی که اشاره کردم، شامل یک سری مسائلی است که اصلا ربطی به فیلم ندارد، اما در این کشور پیش می‌آید. مثلا یکی از دلایل به‌توقیف افتادن فیلم این بود که من سه سال پیش تصمیم گرفته بودم در بخش خارج از مسابقه جشنواره فیلم فجر شرکت کنم. اما اشخاصی که در تولید فیلم شریک بودند، در زمانی که من برای معالجه ایران نبودم تصمیم گرفتند به اعتراض فیلم را در بخش مسابقه شرکت دهند، هیچ جای جهان این حق را از کارگردان نمی‌گیرند که تصمیم بگیرد فیلمش در چه بخشی باشد. تصمیم من هم برای شرکت در بخش خارج از مسابقه به این دلیل بود که معتقدم سینما به خون جوان نیاز دارد. به ما جایزه بدهند یا نه، در زندگی ما تأثیرگذار نیست. بنابراین در مقطعی تصمیم گرفتیم در ایران در مسابقه‌ای شرکت نکنم و یکی از دلایل اصلی این بود که در زمان آقای احمدی‌نژاد وقتی خانه سینما را تعطیل کردند، من هرچه جایزه دریافت کرده بودم، پس دادم و رسید دریافت کردم. بنابراین از نظر من لوس‌بازی است که جوایز را بر سر بدهی و بعد باز در مسابقه شرکت کنی و جایزه بگیری و روز دیگری که مصباتی شدی آن را هم پس بدهی. منطق من این بود که نباید در مسابقه شرکت کنم، به‌خصوص این‌که آن‌قدر جوان‌های بااستعداد در سینما ما وجود دارند که واقعا اعجاب‌برانگیز هستند. سرنوشت زندگی و کار من مشخص است. من تنها نیاز دارم فیلم دیده شود و مکالمه‌ای با مردم داشته باشم. به همین جهت ماجرای حضور «دلم می‌خواد» در جشنواره از زمانی شروع شد که من در بیمارستان در تورتوتو بستری بودم و آقای دکتر ایوبی با من تماس گرفتند که سرمایه‌گذاران فیلم اعتراض کردند که فیلم باید در بخش مسابقه حضور داشته باشد. در نتیجه فیلم را در غیاب من از جشنواره بیرون کشیدند و به‌این‌ترتیب فیلم به مرور گرفتاری‌های مضاعف پیدا کرد. بهتر به دوستان سرمایه‌گذار گفتم که اگر آن زمان حرف من را گوش کرده بودید، دست‌کم بچه‌ای متولد شده بود و شما باید دنبال شانسنامه‌اش (پروانه نمایش) می‌رفتید، اما با بیرون‌کشیدن فیلم از جشنواره و دخالت‌کردن امکان

❧ به نیست به ماجرای رقص در فیلم اشاره کنیم، در فیلم به ماجراجویی پرداختید که پیش از این با این وسعت درباره‌اش صحبت نشده بود، به گمان برخی شاید باید به رقص در این فیلم به نوعی دیگر نگاه می‌شد، مثلا تمثیلی از سلوک با رقص عرفانی یا رقصی که در آن اندیشه باشد. شما از ابتدا به این موضوع چطور فکر کردید؟

این نطفه در طرحی است که نوشتم. پیش از این درباره‌اش صحبت کردم که روزی حین رانندگی یک آهنگ ریتمیک از رادیو پخش شد، در آن لحظه به‌خصوص فکر کردم که اگر بتوان در خیابان آزادانه رقصید، مردم چه عکس‌العملی خواهند داشت؟ فیلم چیزی که فکر کردم تبدیل به نطفه فیلم شد، همان زمان هم فکر کردم قطعا برخی می‌گویند طرف دیوانه است. چراکه به طرز عجیب‌وغریبی گرفتاری‌های مضاعف پیدا کرد. بهتر به دوستان سرمایه‌گذار گفتم که اگر آن زمان حرف من را گوش کرده بودید، دست‌کم بچه‌ای متولد شده بود و شما باید دنبال شانسنامه‌اش (پروانه نمایش) می‌رفتید، اما با بیرون‌کشیدن فیلم از جشنواره و دخالت‌کردن امکان

در یادداشتی که در مورد فیلم نوشته شده بود

## هنر

#### گفت‌وگو با بهمن فرمان‌آرا

## از میدان به در نمی‌روم



بهناز شیربانی

هم درباره رقص مولانا صحبت شده بود و اینکه این داستان قدیمی است که در شادی به اصطلاح حرکات موزون انجام می‌شود، بدون اینکه قصد فرب کسی را داشته باشیم. رقص در فیلم هم سمبل شادمانی و آزادگی است و اینکه همه با هم می‌رقصیم. رقص در فیلم من هم یک شادی درونی است. نه برای اغواکردن آدم‌هایی است که رقص بلد نیستند و نه برای برهم‌زدن امنیت است. برای هیچ چیزی جز شادمانی نیست.

❧ «دلم می‌خواد» در شرایطی اکران شده که طبعاً برای فیلم‌های کم‌دی و سرگرم‌کننده هم رقبی برایش محسوب می‌شدند، درحالی‌که این فیلم درعین‌حال که حرف مهمی را مطرح می‌کند مخاطبان را هم سرگرم می‌کند. اصلا نگاه شما به گونه کم‌دی در سینمای ایران چیست؟

به نظر من هیچ دلیلی ندارد که کم‌دی فقط به مسائل مستهجن بریزد؛ برای اینکه مخاطبش را راضی نگاه دارد. من به گونه کم‌دی به شکل رایجی که در سینمای ایران وجود دارد، نگاه نمی‌کنم. فکر می‌کنم این به یک زیربنای بسیار جدی نیاز دارد.

❧ اما به نظر سینمای کم‌دی در سال‌های اخیر جای خودش را بیش‌ازپیش بین تماشاچی خودشان باز کرده و گاهی فیلم‌سازی‌که به سینما به شکل متفاوت‌تری نگاه می‌کنند، از یک رقابت ناسالم در اکران صحبت می‌کنند.

به نظر من سینما سراجامش همیشه روشن است، با وجود تمام این‌ماجرها من در آمریکا هم فیلم پخش کردم و برای شرکتی کار کردم که هزارو ۸۰۰ تومان داشت. ولی مسلم است که فیلم‌های خودمان در این تعداد سینما پخش نمی‌کریم برای اینکه فیلم‌های دیگر از کمپانی‌های دیگر هم باید نمایش داده می‌شدند. منتها آن‌قدر بازار بزرگی است که فرصت برای تمامی فیلم‌ها ایجاد می‌شود. چون نصفی از بازار جهان را آمریکا و کانادا تشکیل می‌دهند و فیلم‌های خاص‌تر هم تماشاچی خودشان را دارند. اگر در شهر نیویورک نقد بر برای فیلم «رمبو» بگیرد اثری در تعداد تماشاچیان فیلم ندارد چراکه در پنج هزار سالن سینما نمایش داده می‌شود. ولی فیلمی که در ۱۲ سینما نمایش دارد، نقد بر فروشش اثرگذار است. چون آنهایی که نقد می‌خوانند فیلم را انتخاب می‌کنند. متأسفانه در ایران رقابت برابر نیست، همان‌طور که برای من در این مقطع زمانی این رقابت منصفانه نیست. مدتی قبل به مسئول یکی از سینماها گفتم من از رقابت واهمه ندارم اما شما می‌گویید بگذار یک دست‌تور را از پشت بندیم و با کسی که هر دو دستش آزاد است وارد رینگ شو. با همه اینها به نظر هنوز هم برنده‌ام که در این شرایط مخاطب فیلم را می‌بیند و از آن استقبال می‌شود.

این نطفه در طرحی است که نوشتم. پیش از این درباره‌اش صحبت کردم که روزی حین رانندگی یک آهنگ ریتمیک از رادیو پخش شد، در آن لحظه به‌خصوص فکر کردم که اگر بتوان در خیابان آزادانه رقصید، مردم چه عکس‌العملی خواهند داشت؟ فیلم چیزی که فکر کردم تبدیل به نطفه فیلم شد، همان زمان هم فکر کردم قطعا برخی می‌گویند طرف دیوانه است. چراکه به طرز عجیب‌وغریبی گرفتاری‌های مضاعف پیدا کرد. بهتر به دوستان سرمایه‌گذار گفتم که اگر آن زمان حرف من را گوش کرده بودید، دست‌کم بچه‌ای متولد شده بود و شما باید دنبال شانسنامه‌اش (پروانه نمایش) می‌رفتید، اما با بیرون‌کشیدن فیلم از جشنواره و دخالت‌کردن امکان

❧ مدتی قبل کمپینی تشکیل شد و هم‌زمانی اکران فیلم و حرکت حمایت از رقص توجه زیادی را به فیلم جلب کرد. تا چه حد هم‌زمانی این دو برای شما خوشایند بود؟

یک نفر جایی در دنیای مجازی نوشته بود اگر این اتفاق را فرمان‌آرا هماهنگ کرده، خفن‌ترین سیستم تبلیغاتی است. در حقیقت من دستی نداشتم، برای من هم این هم‌زمانی جالب بود.

❧ قطعا رضا کیانیان یکی از بازیگران موردعلاقه شماست و ادامه همکاری شما به‌وضوح سلیقه مشترکتان را نشان می‌دهد. از ابتدا رضا کیانیان گزینه اصلی شما برای نقش اصلی فیلم «دلم می‌خواد» بود؟

بله. همان‌طور که اشاره کردید، با رضا همکاری زیادی داشتم. در «بوی کافور عطر یاس» هنرپیشه‌ای که به من التماس کرد که در فیلم بازی کند به این دلیل که پیش از این تجربه‌های خوبی در بازیگری نداشت، نزدیک فیلم‌برداری با کار دیگری قرارداد بست و رفت. در همان زمان رضا کیانیان به من رنک زد و احوال‌پرسی کرد و گفت شنیده است که فیلم به‌زودی تمام می‌شود. من هم پاسخ دادم فقط نقش تو مانده است و گفتم که فردا برای کار آماده شود. بعد از آن رفاقتی بین ما برقرار شد. رضا هنرپیشه‌ای است که همیشه با توشه‌ای برای نقش سر کار حاضر می‌شود. در گرم صاحب سلیقه است. ارتباط‌های کاری در سینما پیچیده است و انتخاب گسترده این زمانه می‌کند و بر اساس حضور آنها می‌نویسم. نقش اصلی «دلم می‌خواد» را هم برای رضا نوشتم. علاوه‌بر اینکه رضا حتی در نوشتن فیلم‌نامه با امید سهرابی بسیار همراه بود و ایده‌های خوبی مطرح می‌کرد و به اعتقاد من یکی از بهترین کارهایش را در این فیلم ارائه داد، چراکه در تمام طول فیلم از ایسن آدم بدتان نمی‌آید. اگر در ساخت فیلم و سکانس‌های ابتدایی مقداری لوندی کردیم و نورپردازی‌ها به‌گونه‌ای است که انکار در زندان است، کار خیلی است که من دوست دارم در فیلم‌سازی انجام بدهم، چون نمی‌خواستم موقعیت این آدم را زود لو بدهم.

❧ البته به نظر من انتخاب محمدرضا گلزار و مهناز افشار و نوع بازی آنها هم بسیار هماهنگ و متفاوت بود.

بله، هر دوی آنها تنها بازی‌های خوبی ارائه دادند. به نظرم ربط پیدا می‌کند به نگاهی که به هنرپیشه‌ها برای ساخت یک فیلم می‌شود. اینکه آیا قصد استفاده ابزاری داری یا مناسب نقش انتخاب می‌شوند؟ خاطرم هست روز اول فیلم‌برداری محمدرضا گفت عموجان چه نصیحتی برای من در این نقش داری؟ پاسخ من این بود که بزرگ‌ترین راز هنرپیشگی گوش‌دادن درست است. اینکه دیالوگ‌های طرف مقابلت را درست گوش کنی. باید به من حس‌ی را انتقال بدهی. فکر کن الان با پدرت صحبت می‌کنی و کلک این در گوش‌دادن است. باید شنونده درجه‌یکی باشی، بنابراین واکنش‌های تو باید از درونت باشد. به‌هرحال دوستان این نکات را می‌دانند، اما در اکثر فیلم‌ها این نکات را از آنها نمی‌خوانند.

❧ جایی از شما خواندم که بازی شما در فیلم‌هایتان توصیه آقای کیارستمی بوده و به تازگی منوجه شدم در فیلم کارگردان جوانی هم ایفای نقش کرده‌اید. بازیگری برای شما مهم‌تر شد است؟

من و عباس کیارستمی دوستان نزدیکی بودیم. عباس همیشه به من می‌گفت در فیلم‌های خودت بازی کن. برای اینکه دیالوگ‌هایی که می‌نویسی خود درست‌تر ادا می‌کنی. اما من امتناع می‌کردم، چراکه هم‌زمان بازی و کارگردانی کار سختی است. آخرین‌باری که در خانه‌اش دیدار داشتم، از من پرسید چه‌کار می‌کنی؟ از فیلم جدمم گفتم و اینکه قصد دارم نقشی بازی کنم. گفت: «من همیشه بهت میگم، اگر گوش کرده بودی تا الان برای خودت یک برند شده بودی». وقتی از او پرسیدم که متغول چه کاری است؟ آن‌قدر ضعیف بلند می‌کرد که یک اسکان کوچک چای را به زحمت بلند می‌کرد. با همه اینها از کارهایش برابم گفتم. گفتم «با کلود مونه با فاصله صد سال در یک روز به دنیا آمدیم» و یک‌سری کار روی نقاشی‌های مونه انجام داده بود. به دستیارش گفتم چراغ‌ها را تنظیم کند که آنها را ببینم و دیدم در بستر بیماری هم کارهای بی‌نظیری انجام داده است. عباس جزء هنرمندان خودچویی بود؛ اگر من برگ را می‌دیدم، عباس ریشه را می‌دید. به همین جهت من حرفش را گوش کردم. نمی‌دانم در چند فیلم بازی خواهم کرد. قطعا در فیلم بعدی‌ام بازی نمی‌کنم، چون داستان یک دختر و پسر جوان است، ولی به‌عنوان کسی که به او اعتقاد داشتم در تأیید صحبتش زمانی که «بوی کافور عطر یاس» در فستیوال نیویورک نشان دادم که از نظر من مهم‌ترین جشنواره است، کمی خامی بلند شد و گفت منتقد نیویورک تایمز گفته شما وودی آلن ایران هستید. نظر شما در این مورد چیست؟ گفتم: «ودوی آلن فیلم‌ساز مهمی است، فقط یک ایراد وجود دارد. اینکه من خوش قیافه‌تر از او هستم». مردم دست زدند و برایشان جالب بود. ولی این هم یک جور تأیید حرف‌های عباس باس بود. وقتی سن‌وسالم را می‌بینم متوجه می‌شوم که نمی‌خواهم درباره پیرمردم فیلم بسازم. می‌خواهم در مورد جوان‌ها فیلم بسازم و کار کنم. نهایتا حرفش را گوش می‌کنم و زمانی که لازم باشد بازی خواهم کرد. همان‌طور که در «حکایت دریا، بازی کردم که درواقع موضوع فیلم تراژدی پایان

یک رنانش فرهنگی بود. از بیهوده‌زیستن است. هراس من از مرگ نیست، از بیهوده‌زیستن است. من از سینما بیرون نمی‌روم. اگر قصد چنین کاری را داشتم، همان ۱۰ سالگی که فیلم‌نامه می‌دادم و رد می‌شد از سینما خداحافظی می‌کردم که بازدهمین فیلم من «بوی کافور عطر یاس» مجوز ساخت گرفت. بنابراین نمی‌توان من را از میدان به‌در برد، مگر اینکه دستور رسمی مبنی‌بر بازکردن من صادر شود. همان چهار سال دوم حضور آقای احمدی‌نژاد کار نکردم و فیلم نساختم، اما در همان زمان کتاب ترجمه کردم و نوشتم و نمایش‌نامه‌ای را کامل کردم. من عاقل و باطل روزگارم را نمی‌گذرانم. برای اینکه به جمله‌ای که در «بوی کافور عطر یاس» هست اعتقاد دارم که هراس من از مرگ نیست، از بیهوده‌زیستن است.

#### زیر آسمان فیروزهای

**فراخوان جشنواره سی‌وهفتم تئاتر فجر**
**با مقدمه نادر برهانی‌مرد منتشر شد**

#### فرزند همین جشنواره‌ایم

● گروه هنر: فراخوان سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر با مقدمه نادر برهانی‌مرد درخصوص رویکردهای متفاوت جشنواره اسمال منتشر شد.

سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر توسط اداره کل هنرهای نمایشی، انجمن هنرهای نمایشی ایران و انستیتوی بین‌المللی تاتر (ITI) برگزار می‌شود.

جشنواره اسمال در ۱۱ بخش برگزار می‌شود که شامل: تئاتر صحنه‌ای، تئاتر خیابانی و دیگر گونه‌های اجرایی، تئاتر ملل، فجر استانی، ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی، مسابقه نمایش نامه‌نویسی، مسابقه و نمایشگاه عکس تئاتر، مسابقه و نمایشگاه بوستر تئاتر، کارگاه‌های آموزشی و نشست‌های تخصصی، همایش برگزیدگان جشنواره‌های تئاتر استانی و بخش به‌علاوه فجر خواهد بود.

نادر برهانی‌مرد، دبیر سی‌وهفتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، در یادداشتی که برای مقدمه این فراخوان نوشته، محورهای این یادداشت را شش نکته تشکیل می‌دهد:

«به نام خداوند خورشید و ماه که دل را به نامش خرد داد راه

##### یک

جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر حالا دیگر سی‌وهفت‌ساله شده است. سی‌وهفت‌سالگی سن بلوغ اندیشه ست؛ سه قدم مانده به...چهل‌سالگی ست؛ سن کمال، سن شایستگی انسان برای بعثت! بگذارید همین ابتدا سر تعظیم فرود آوریم در پیشگاه هنرمندان، مدیران و دبیرانی که سی‌وشش دوره برای این شایستگی و بلوغ، متعهدانه تلاش کرده‌اند. خداوند را شاکریم که امروز پرچم پرافتخار این میهمانی باشکوه در دستان ماست. امید دارم به لطف حضرت دوست و یاری و تلاش مجدان‌ه‌ی همدلان صدیقم، جشنواره‌های درخور میهمانان بزرگ و ارجمندش برگزار کنیم

##### دو

من و بسیاری از هم‌نسلانم، فرزند جشنواره‌ی تئاتر فجریم و شایسته است اعتراف کنیم که فرصت برکشیدن و بالیدن در کنار بزرگانمان را وامدار فجریم؛ فجر که ما جوانان مکنام دیروز امکان دیده‌شدن داد. جشنواره سی‌وهفتم فجر نیز بر آن است که با ایجاد فضای رقابتی سالم، علاوه‌بر هیجان‌بخشیدن به این جشن بزرگ بستر مناسبی برای بروز اندیشه‌های تازه فراهم آورد. استعدادهایی که چه‌بسا در هیاموی اجراهای متکثر این روزهای تئاتر کمتر دیده می‌شوند یا اصلا دیده نمی‌شوند.

##### سه

جشنواره‌ی سی‌وهفتم تئاتر فجر مرورخور است. برآیند اجراهای عمومی است. این گفتمان البته فرصت مغتنمی فراهم می‌آورد برای نمایش به‌گزینی از کیهکشان رنگین تئاتر ایران‌زمین. پس ما تمام توان خود را صرف انتخاب شایسته‌ای از میان آثار تولیدشده کرده و برگزاری پایسته، منظم و سرشار از احترام جشنواره را مسئولیت مهم خود می‌دانیم. در این راستا مهمی رشته‌ها و صنوف تئاتر از منزلت و جایگاهی به‌سزا برخوردار خواهند بود و تلاش بر آنست که این نگرش تا انتهای جشنواره در همه‌ی سطوح جاری شود.

##### چهار

جشنواره‌های استانی تئاتر فجر، بخشی مهم و جدایی‌ناپذیر از اندام‌واره‌ی تئاتر فجرد. چه، هنوز در برخی از استان‌های ما چراغ تئاتر به مدد این جشنواره‌هاست که فروغی دارد. در جشنواره‌ی سی‌وهفتم تلاش مجدان‌ه‌ای می‌شود که ارجمندی این جشنواره‌ها که بخشی مهم از روال همیشگی تئاتر فجر بوده‌اند بیشتر حفظ شود. به‌عنوان نمونه: با اینکه کثرت آثار متقاضی عملا رویکرد انتخاب را از طریق ارزیابی زنده سخت می‌کند، بر آن هستیم که به احترام هنرمندان شرکت‌کننده در جشنواره‌های استانی برگزیدگان نهایی این جشنواره‌ها را تا حد امکان از این طریق برگزینیم.

##### پنج

تجربه روند برگزاری سال‌های اخیر جشنواره نشان از علاقه طیف گسترده هنرمندان تئاتر به حضور در بخش‌های رقابتی جشنواره دارد. این مهم ما را بر آن داشت تا با احترام به این میل عمومی - فارغ از دیدگاه‌های متفاوت در این خصوص - جهت برنامه‌ریزی بموقع و انضباط‌بخشیدن به فرایند برگزاری جشنواره، در سه بخش «رقابتی» و یک بخش «غیررقابتی» پذیرای آثار باشیم. فرایند پذیرش هم به‌گونه‌ای‌ست که انتخاب حضور در بخش‌های مختلف از همان ابتدای ثبت‌نام به اختیار متقاضی خواهد بود.

##### شش

امسال انقلاب اسلامی چهل‌ساله می‌شود. این تقارن مبارک فضای سرور و جشنوارگی دوره‌ی سی‌وهفتم را دوجندان می‌کند پس به فال نیکش می‌گیریم و به استقبال جشن سی‌وهفتمین دوره‌ی تئاتر فجر و چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی می‌رویم.

هلاک ما به بیابان عشق خواهد بود کجاست مرد که با ما سر سفر دارد».

طبق این فراخوان، زمان برگزاری جشنواره، ۲۲ بهمن‌ماه تا چهارم اسفندماه ۱۳۹۷ خواهد بود.